

به همین دلیل در تعالیم دین، مسلمانان به فراگیری زبان عربی به عنوان زبان قرآن کریم تشویق و ترغیب شده‌اند.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «تعلموا العربية فأنها كلام الله الذي يكلم به خلقه»<sup>۳</sup>.

این تأکیدات نشانگر آن است که اگر کسی بخواهد از قرانت قرآن کریم حظ کافی و وافی ببرد، می‌باید توانایی استفاده از متن اصلی آن و قدرت فهم واژگان آن را در زبان عربی کسب کند. در غیر این صورت، مطالعه ترجمه‌های قرآن کریم - هرچند مترجم دقت کافی نیز مبذول دارد - باز به لحاظ تفاوت گنجینه واژگان زبان مبدأ و مقصد، نمی‌تواند کاملاً مفهوم را بازگو کند.

### کلیدواژه‌ها: قرآن، تفسیر معنایی، ترجمه، عربی

برای روشن تر شدن این مطلب به نکات زیر در زمینه نقص ترجمه قرآن نسبت به متن اصلی آن توجه کنید:

#### ۱ نبودن برخی معادل‌ها در زبان مقصد

برخی واژگان قرآن کریم در زبان‌های دیگر معادل تک کلمه‌ای ندارند و اگر بخواهیم آن‌ها را آن گونه که در زبان عربی معنی می‌دهند ترجمه کنیم، چه بسا ترجمه یک کلمه در یک یا چند سطر ممکن شود که هم ترجمه را گنگ می‌کند و هم به لحاظ فضایی که در ترجمه نسبت به متن اصلی به خود اختصاص می‌دهد، مشکل‌ساز خواهد بود. برای مثال به کلمات زیر دقت کنید.

اشاره

یکی از کاستی‌های موجود در ترجمه متون به‌طور کلی و در ترجمه قرآن به شکل خاص، نارسایی بسیاری از متن‌های ترجمه شده نسبت به متن اصلی است. این معضلی است که در ترجمه اکثر متون به زبان‌های دیگر مشهود است. ولی در بحث از ترجمه قرآن کریم، از آنجا که الفاظ، عبارات و آیات قرآن وحیانی‌اند، و با در نظر داشتن بحث کلیدی و فهم اعجاز بیانی در قرآن کریم، نقص ترجمه‌های انجام شده از این متن مقدس مشهودتر از ترجمه سایر متون به زبان‌های دیگر است. اهمیت این بحث هنگامی بیشتر می‌شود که بدانیم، بنا به فرمایش قرآن کریم این کتاب به «لسان عربی مبین»<sup>۱</sup> نازل شده است. به عبارت دیگر، این متن وحیانی به زبان عربی معمولی نازل نشده است و همان گونه که دانشمندان علوم قرآنی از آن بحث کرده‌اند، بهترین و فصیح‌ترین واژگان لهجه‌های متفاوت عرب در آن به خدمت گرفته شده‌اند. (سیوطی، بی تا: ۴۸۹-۴۵۷).

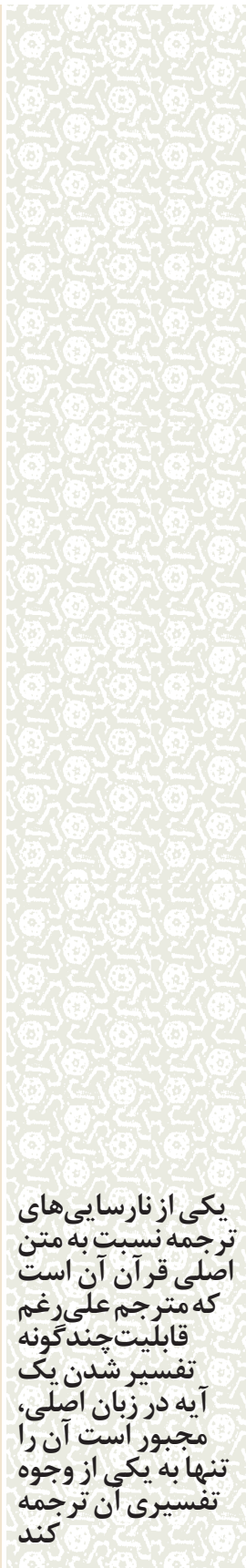
این چینش دقیق و البته وحیانی واژگان در آیات قرآن کریم بیانگر آن است که هر واژه به‌منظور و مفهوم خاصی در جای جای آیات به کار رفته است. به شکلی که حتی دیگر واژگان مترادف آن واژه در زبان عربی نیز نمی‌توانسته جایگاه آن واژه خاص را در آن آیه خاص به خود اختصاص دهد (اعجاز بیانی)<sup>۲</sup>.

حال چگونه می‌توان تصور کرد که این واژگان را به زبانی دیگر ترجمه کنیم و انتظار داشته باشیم که همان مفاهیم والای وحیانی آیات قرآنی را در برداشته باشند. این يك نقص یا عیب برای ترجمه نسبت به متن اصلی محسوب می‌شود. منظور ما نادیده گرفتن زحمات بی دریغ مترجمان ارزشمند قرآن در طول تاریخ نیست.

# چرا قرآن را باید به زبان عربی خواند؟

محمد شیبانی  
دبیر دبیرستان‌های کهریزک





یکی از نارسایی‌های ترجمه نسبت به متن اصلی قرآن آن است که مترجم علی‌رغم قابلیت چندگونه تفسیر شدن یک آیه در زبان اصلی، مجبور است آن را تنها به یکی از وجوه تفسیری آن ترجمه کند

ع قطمیر: غشای بسیار نازکی است که روی هسته خرما وجود دارد (مصطفوی، بی‌تا، ج: ۹، ۲۹۶).  
«والذین تدعون من دونه ما یملکون من قطمیر.»  
اگر بخواهیم این آیه را دقیق ترجمه کنیم، آن گونه که خواننده آن منظور و لطافت آیه را کامل درک کند، باید بگوییم:

«و بت‌هایی که به جای خدا عبادت می‌کنید، حتی صاحب اختیار پوسته نازکی که روی یک هسته خرما می‌باشد هم نیستند!»

چنین ترجمه‌ای نه تنها شیوا نیست، بلکه سؤال برانگیز است که چرا خداوند چنین چیزی را مثال زده است. حال آنکه برای عرب که در زمان نزول قرآن بسیار با نخل و خرما مانوس بود، چنین مثالی عادی بوده و او به عمق معنی و لطافت کاربرد این کلمه پی می‌برده است.

ع نقیر: فرورفتگی دایره شکل کوچکی است که پشت هسته خرما وجود دارد. گویی جای منقار یک گنجشک یا پرندۀ کوچک است و به همین لحاظ آن را نقیر نامیده‌اند (همان، ج: ۱۲، ۲۱۹).

این واژه در آیه ۵۳ و ۱۲۴ سوره مبارکه نساء آمده است:

ع «ام لهم نصیب من الملك فاذا لا یؤتون الناس نقیرا.»

ع «فاولئك یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیرا.»

اگر قرار باشد که ترجمه دقیق صورت گیرد، در ترجمه آیه ۵۳ باید گفت:

«اگر آن‌ها (برخی از اهل کتاب) به فرمانروایی و توانگری برسند، به اندازه فرورفتگی دایره‌ای شکل پشت هسته خرما هم به کسی چیزی نمی‌بخشند! یا در ترجمه آیه ۱۲۴ سوره مبارکه نساء باید گفت: «آن‌ها وارد بهشت می‌شوند و به اندازه فرورفتگی دایره شکل پشت هسته خرما به آن‌ها ظلم نمی‌شود!»

ع فتیل: به معنای تارهایی بسیار نازک و موئین است که در شکاف هسته خرما موجود است (همان، ج: ۹، ۲۱).  
این کلمه در آیات ۴۹ و ۷۷ سوره مبارکه نساء و همچنین در آیه ۷۱ سوره مبارکه اسراء آمده و در هر سه مورد در عبارت «و لا یظلمون فتیلا» به کار رفته است. ترجمه این واژه نیز به شکل دقیق وضعی شبیه دو واژه قطمیر و نقیر خواهد داشت.

این در حالی است که مترجمان قرآن برای ترجمه این واژگان از معادل فارسی «چیز اندکی» یا «ذره‌ای» یا «اندکی» و امثال آن استفاده کرده‌اند. در حالی که در قرآن کریم واژه «قلیلا»<sup>۴</sup>، «مثقال ذره»<sup>۵</sup>، «بسیرا»<sup>۶</sup> و ... نیز وجود دارد که تقریباً همان معنای اندک یا کم را می‌دهد.

همان گونه که گذشت، اعجاز بیانی قرآن کریم بیانگر آن است که هر واژه باید در همان جای فعلی به کار می‌رفته و کلمه دیگری در آن جایگاه توانایی افاده آن معنای خاص و منظور خداوندی را نداشته است. برای مثال، در آیه ۱۲۴ سوره مبارکه نساء که آمده: «لا یظلمون نقیرا» مفهومی غیر از مفهوم آیه ۷۱ اسراء دارد که فرموده است: «لا یظلمون فتیلا» و ...

این بحث در بسیاری از موارد و آیات قرآنی قابل تعمیم است. چنان که در مورد دو کلمه قرآنی «فلک»<sup>۷</sup> و «سفینه»<sup>۸</sup> نیز می‌توان همین مطلب را صادق دانست؛ زیرا علی‌رغم کاربرد این دو واژه در جای جای قرآن و قطعاً به دو منظور خاص، شاهد آنیم که مترجمان هر دو واژه را به «کشتی» ترجمه کرده‌اند.

## ع اعمال تفسیر معنایی تک‌وجهی در

### ترجمه آیه و خارج کردن آیه از قابلیت

#### تفسیر و معنای چندوجهی

از دیگر نارسایی‌های ترجمه نسبت به متن اصلی قرآن آن است که مترجم علی‌رغم قابلیت چندگونه تفسیر شدن یک آیه در زبان اصلی، مجبور است آن را تنها به یکی از وجوه تفسیری آن ترجمه کند. حال آنکه ممکن است ترجمه ارائه شده از آیه مذکور مبتنی بر تفسیر صحیح از آن آیه نباشد یا در صورت وجود چند وجه معنایی صحیح در یک آیه، خواننده ترجمه از سایر وجوه معنایی آن محروم می‌شود. برای مثال، این مورد درباره آیه ۱۰۲ «سوره بقره» صادق است که بنا بر نظر مفسران، وجوه معنایی فراوانی دارد.<sup>۹</sup>

یا آیه ۱۰ سوره فاطر که حداقل دو وجه معنایی دارد. (علامه طباطبایی، بی‌تا، تفسیر جزء ۲۲، ذیل تفسیر آیه ۱۰ سوره مبارکه فاطر).

## ع از بین رفتن برخی مقاصد صرفی و

### نحوی قرآن کریم در ترجمه

از دیگر نقایص ترجمه نسبت به متن اصلی، از

بین رفتن برخی ظرایف صرف و نحوی در زبان عربی و خصوصاً زبان قرآن است که در آیات لحاظ شده و در فهم آیه تأثیری بسزا دارد ولی در ترجمه، به لحاظ فقدان این اسالیب در زبان مقصد، خواننده ترجمه از آن محروم می‌شود و در نتیجه به معنی دقیق آیه دست پیدا نمی‌کند. برای مثال، می‌توان به اسلوب تأکید اشاره کرد که در جای جای قرآن کریم لحاظ شده است ولی در ترجمه‌ها جایی ندارد. به‌عنوان نمونه، در آیه ۲۰ «سوره مبارکه قصص» می‌خوانیم: «و جاء رجل من اقصى المدينة يسهى». در حالی که همین عبارت را در آیه ۲۰ «سوره یس» با کمی جابه‌جایی در کلمات این‌گونه می‌خوانیم: «و جاء من اقصى المدينة رجل يسهى».

و همان‌گونه که مفسران گفته‌اند، در مورد اول که کلمه «رجل» مقدم شده، بیشتر بر شخصیت آن مرد مورد نظر تأکید دارد و در مورد دوم که «اقصى المدينة» مقدم شده، بیشتر مکانی مورد تأکید است که شخص مورد نظر از آنجا آمده است (همان، تفسیر جزء ۲۳، ذیل تفسیر آیه ۲۰ سوره مبارکه یس). حال آنکه در ترجمه هر دو آیه به شکل یکسان می‌خوانیم: «مردی دوان دوان از دور دست شهر آمد.» و دیگر خبری از لطافت تأکیدی قرآن نیست.

در این‌باره همچنین می‌توان به کاربرد افعال مزید یا مجرد در جایگاه‌های خاص اشاره کرد که هر کدام افاده معنایی خاص خود را دارد. برای مثال، از ریشه «مزق» چهار مورد در «سوره مبارکه سبأ» به کار رفته و با توجه به اینکه این ریشه از افعال مزید است، می‌توان دریافت که شدت از هم پاشیدگی (در مورد بدن پس از دفن) از آن فهمیده می‌شود؛ زیرا در افعال مزید زیادتی معنوی نسبت به افعال مجرد وجود دارد.<sup>۱۰</sup>

## ۶ از بین رفتن تأثیر شگرف آهنگ آیات و تناسب آوایی آن، هنگام استفاده از ترجمه

از آنجا که قرآن کریم تماماً اعجاز‌آمیز و در تمامی وجوه خارق‌العاده است، باید گفت لحن آهنگین آیات عربی تأثیری شگرف بر قاری می‌گذارد و جذابیتهای ایجاد می‌کند که روح فرد را به تسخیر خود در می‌آورد. همان‌گونه که در صدر اسلام

نیز همین لحن آهنگین و اعجاز‌آمیز و اعجاب برانگیز بسیاری را مجذوب خویش ساخت و به آیین یکتاپرستی درآورد. این لحن منحصر به فرد قرآن کریم که نه نثر است و نه نظم، خصوصاً در آیات و سوره‌های مکی که کوتاه و کوبنده هستند، مشهود است و باید گفت بی‌گمان این آهنگ جزئی لاینفک از موجودیت هر سوره است و بسان دیگر اجزای هر سوره، نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. ناگفته پیداست که در ترجمه، دیگر این لحن اعجاز‌آمیز و اعجاب برانگیز وجود ندارد و هر چند مترجم بکوشد لحنی آهنگین در ترجمه‌اش به کار ببرد، در نهایت نظمی خواهد ساخت که ایرادهای فراوانی بر آن وارد خواهد بود. گذشته از آنکه قرآن کریم برای افاده منظور خود در صدد ارائه کلام منظوم متداول نبوده و حتی در پاره‌های موارد از آن نهی کرده است. (انبیاء/۵، یس/۶۹ و...)

## ۷ بعد معنوی قرائت قرآن به زبان وحی

گذشته از موارد فوق، از بعد معنوی قرائت متن اصلی قرآن نیز نباید غافل بود. باید گفت از آنجا که کلمه کلمه قرآن کریم وحیانی و مقدس است، تلاوت متن اصلی آن نسبت به برگردان آن به زبانی دیگر برتری فراوان دارد و این نکته‌ای است که در تعالیم دین هماره مورد توجه و تأکید بوده است. تأکید قرآن بر عربی بودن آیات خود، دلیلی بر این مدعاست؛ با اینکه عربی بودن آن بر کسی پوشیده نیست.<sup>۱۱</sup> همچنین تأکید قرآن بر اینکه این آیات از فصیح‌ترین کلمات زبان عربی برگرفته شده‌اند؛ خود گویای همین امر است (نحل/۱۰۳، شعراء/۱۹۵). همچنین، در روایاتی بر آموزش زبان عربی به‌عنوان زبان قرآن تأکید شده است<sup>۱۲</sup> و حتی روایاتی در این باب وارد شده‌اند که نگاه کردن به خط قرآن بدون تلاوت آیات و نیز شنیدن صدای تلاوت قرآن فضیلت شمرده می‌شود.<sup>۱۳</sup>

آنچه گذشت تنها بیان برخی برتری‌های قرائت متن عربی قرآن نسبت به ترجمه‌های آن است. بدیهی است که این بحث مجال فراوان و گسترده وسیعی را می‌طلبد که ما به همین اندک بسنده می‌کنیم. از پیشگاه نورانی و رحمانی قرآن کریم توفیق دنیوی و شفاعت اخروی را مسئلت داریم.

### پی‌نوشت‌ها

۱. «سوره مبارکه نحل»، آیه ۱۰۳ و «سوره مبارکه شعراء»، آیه ۱۹۵.
۲. در رابطه با تفصیل بحث اعجاز بیانی قرآن کریم، رک: اعجاز بیانی قرآن، تألیف دکتر عایشه عبدالرحمن بنت‌الشاطی، ترجمه حسین صابری، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. زبان عربی را بیاموزید، زیرا خداوند به‌واسطه آن با بندگانش سخن گفته است. علامه مجلسی، ج ۱: ۲۱۲.
۴. ن. ک: سوره مبارکه بقره، آیات ۴۱، ۱۳۷، ۸۸، ۸۳، ۱۳۶ و سوره مبارکه توبه، آیات ۸۲، ۹ و....
۵. ن. ک: سوره مبارکه نساء، آیه ۴۰ و سوره مبارکه یونس، آیه ۶۰ و سوره مبارکه زلزال آیات ۷ و ۸.
۶. ن. ک: سوره مبارکه احزاب، آیه ۱۴ و سوره مبارکه یوسف (علیه‌السلام)، آیه ۷۵.
۷. ن. ک: سوره مبارکه بقره، آیه ۱۷۴، سوره مبارکه اعراف آیه ۶۴ و... .
۸. ن. ک: سوره مبارکه کهف، آیات ۷۱ و ۷۹ و سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۱۵.
۹. علامه طباطبایی (ره) درباره تفسیر این آیه معتقد است با در نظر گرفتن وجوه مختلف معنایی در این آیه می‌توان این آیه را به یک میلیون و دویست و شصت‌هزار وجه مختلف تفسیر نمود. رک: تفسیر المیزان، ذیل تفسیر آیه ۱۰۲ سوره مبارکه بقره.
۱۰. این قاعده تحت عنوان «زیاده المبنای نذل علی زیاده المعانی» در علوم قرآن و ادبیات عرب مورد بحث قرار گرفته است. رک: التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ج ۵، ص ۴۵.
۱۱. ن. ک: سوره مبارکه یوسف (علیه‌السلام)، آیه ۲، سوره مبارکه رعد، آیه ۳۷، سوره مبارکه طه، آیه ۱۱۳ و... .
۱۲. رک: پاورقی شماره ۴ همین مقاله.
۱۳. هنگامی که قرآن قرائت می‌شود، بدان گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ بانسد که مشمول رحمت الهی گردید. (سوره مبارکه اعراف، آیه ۲۰۴). نیز از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است که فرمودند: «نگاه کردن به خط قرآن، خود عبادت محسوب می‌شود (اصول کافی، ج ۴، کتاب فضیلت قرآن، ص ۱۸۴، حدیث ۵).

### منابع

۱. قرآن مجید
۲. سیوطی، جلال‌الدین الاتقان فی علوم القرآن (ج ۱)، ترجمه سیدمهدی حائری، (بی‌تا)
۳. علامه مجلسی، بحار الانوار (ج ۱)
۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات قرآن (ج ۹)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۵. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان.